



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه مطالعات
امنیت و پیشرفت
I.S.D.S

رویکرد عراق در قبال جنگ تحمیلی ۱۲ روزه علیه ایران و نکاتی درباره آینده

ابرارنگار ۱۷۴ | مرداد ۱۴۰۴

پژوهشگاه مطالعات امنیت و پیشرفت

پژوهشکده ابرار معاصر تهران



رویکرد عراق در قبال جنگ تحمیلی ۱۲ روزه علیه ایران
و نکاتی درباره آینده
ابراونگار ۱۷۴

پژوهشگاه مطالعات امنیت و پیشرفت
پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران
۱۴۰۴

رویکرد عراق در قبال جنگ تحمیلی ۱۲ روزه علیه ایران و نکاتی درباره آینده
تدوین و انتشار: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران
تاریخ انتشار: مرداد ۱۴۰۴

تلفن و دورنگار: ۸۸۹۱۲۴۳۶-۸۸۹۰۱۹۵۷

نشانی اینترنت: www.tisri.org

تیراژ: محدود

خلاصه مدیریتی

- نوشتار حاضر به دنبال بازخوانی مواضع جدید دموکرات‌های آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای ایران و بررسی نقش آنان در رویکرد جدید دولت ترامپ است. فرضیه اصلی آن است که دموکرات‌ها، علی‌رغم اختلافات حزبی با ترامپ، در عمل با سیاست فشار بر ایران همراه شده‌اند. این همراهی به دلایل متعددی از جمله تضعیف جایگاه ایران، تحولات منطقه‌ای و هماهنگی با رژیم صهیونیستی صورت گرفته است. در عین حال، تفاوت‌هایی در لحن و راهبرد میان دموکرات‌ها و جمهوری خواهان دیده می‌شود.

- دموکرات‌ها به دو جریان اصلی تقسیم می‌شوند: جریان اول، در اقلیت، با مواضع تند و حتی حمایت از حمله نظامی، مانند جان فترمن و چاک شومر، خواهان برخورد سخت با ایران‌اند. این طیف اگرچه در اقلیت قرار دارد، اما نقش نمادین و رسانه‌ای مهمی ایفا می‌کند. آن‌ها توافقی مانند برجام را بی‌فایده دانسته و معتقدند فرصت تاریخی برای تحمیل خواسته‌های واشنگتن فراهم شده است.

- جریان دوم که جریان غالب در حزب دموکرات است، بر دیپلماسی، اما با خواسته‌هایی سخت‌گیرانه‌تر از برجام تأکید دارد. چهره‌هایی مانند بلینکن و سالیوان با تأکید بر ضعف کنونی ایران، مذاکرات دولت ترامپ را فرصت دانسته و از توافقی «قوی‌تر و طولانی‌تر» حمایت کرده‌اند. جان کری نیز خواستار محدودیت‌های بیشتر بر غنی‌سازی، نظارت‌های گسترده‌تر بر

سایت‌های هسته‌ای و محدودیت‌های موشکی شده است. این جریان معتقد است توافقی جامع می‌تواند بدون جنگ، ایران را به عقب براند. نگاه آنان در ظاهر با ترامپ متفاوت است، اما در هدف نهایی (تحمیل محدودیت به ایران) اشتراک دارند.

- زمینه تحول در مواضع دموکرات‌ها را باید در تغییر محیط منطقه‌ای و بین‌المللی جست‌وجو کرد. پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، آمریکا در همراهی با رژیم صهیونیستی، سیاست مهار و بازدارندگی را به سیاست فشار ترکیبی تبدیل کرد. در این فضا، حتی دموکرات‌ها نیز به این جمع‌بندی رسیدند که تضعیف ایران، فرصتی کم‌سابقه برای اعمال فشار حداکثری است.

- در مجموع، مواضع دموکرات‌ها نشان از همراهی غیررسمی با ترامپ دارد، هرچند از حمایت علنی پرهیز می‌کنند تا مواضع حزبی خود را حفظ کنند. آنان خواهان توافقی هستند که از نظر ساختاری سخت‌گیرانه‌تر، قابل راستی‌آزمایی و پایدارتر از برجام باشد. هدف این است که ایران در تمامی ابعاد قدرت ملی، از جمله منطقه‌ای و موشکی، به عقب رانده شود. در عین حال، دموکرات‌ها نقش خود را مکمل دیپلماسی می‌دانند نه تابع فشار صرف.

مقدمه

جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی علیه ایران با واکنش‌های مختلفی ازسوی دولت‌ها و افکار عمومی جهانی مواجه شد. در این‌میان، عراق ازجمله کشورهایی بود که در سطوح گوناگون، اقدام اسرائیل در حمله به خاک ایران در میانه مذاکرات تهران و واشینگتن را محکوم کرد. این محکومیت ازسوی دولت (بغداد و اربیل)؛ جریان‌های سیاسی و مقاومت؛ و مرجعیت نجف و در قابل برخی بیانیه‌ها، اظهارات و موضع‌گیری‌ها صورت گرفت. باوجوداین، هر سه نهاد پیش‌گفته در عراق، همانند تحولات پساظوفان‌الأقصى، تلاش کردند تا صرفاً در چهارچوب‌های دیپلماتیک اعلام موضع و از ورود عراق به تنش‌های منطقه‌ای جلوگیری کنند. در نوشتار پیش‌رو این رویکرد عراق مورد بررسی قرار گرفته و نکاتی درباره چگونگی تداوم آن در درگیری‌های احتمالی آتی میان تهران و تل‌آویو مطرح خواهد شد.

۱. رویکرد عراق به جنگ ۱۲ روزه علیه ایران

برای شناخت رویکرد عراق نسبت به جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی علیه ایران، باید به بررسی کنش‌های کلامی و رفتاری، در سه سطح دولت؛ جریان‌های سیاسی و مقاومت و مرجعیت نجف پرداخت که در ادامه مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۱.۱. دولت

دولت عراق به صورت رسمی با صدور بیانییهایی در مقاطع گوناگون جنگ ۱۲ روزه، حملات اسرائیل را به ایران محکوم کرد. نخستین واکنش دولت عراق، بیانییه روز جمعه، ۱۳ ژوئن بود که در آن خواستار برگزاری فوری نشست شورای امنیت و اتخاذ اقدامات تعیین کننده و ملموس برای جلوگیری از این تجاوز شد. نخست وزیر، رئیس جمهور، رئیس پارلمان و شورای امنیت عراق در بیانییه ها و اظهارات گوناگون، حملات اسرائیل را به خاک ایران محکوم کردند. پس از حمله آمریکا به برخی تأسیسات هسته ای ایران نیز، دولت عراق با صدور بیانییه ای، خواستار احترام به حاکمیت کشورها و عدم هدف قرار دادن تأسیسات حیاتی آنها شد.

علاوه بر بغداد، اربیل هم به محکومیت حملات رژیم صهیونیستی به ایران پرداخت. ریاست اقلیم کردستان عراق در بیانییه ۱۳ ژوئن، با انتقاد از حملات اسرائیل علیه ایران، آن را تهدیدکننده ثبات منطقه ای دانست. نجیروان بارزانی همچنین بر لزوم اجرای دقیق توافقنامه امنیتی تهران و بغداد در محدوده مرزهای اقلیم کردستان عراق تأکید کرد (Rudaw, June 13, 2025). در این میان اما موضع گیری چندانی از سوی مسرور بارزانی، نخست وزیر اقلیم کردستان و مسعود بارزانی، رئیس حزب دموکرات کردستان منتشر نشد. برخی احزاب کرد، از جمله اتحادیه میهنی کردستان و حزب سوسیال دموکرات کردستان اما حمله رژیم به ایران را محکوم کردند.

۱-۲. جریان های سیاسی و مقاومت

جریان های سیاسی و گروه های مقاومت عراقی، متناسب با رویکرد کلان خود در سیاست خارجی به اعلام موضع و کنشگری در قبال حمله رژیم صهیونیستی به خاک ایران مبادرت ورزیدند. در میان جریان های سیاسی اهل

سنت، تقریباً واکنش روشن و صریحی نسبت به حمله رژیم صهیونیستی به ایران صورت نگرفت و احزاب و شخصیت‌های اصلی این جریان، اظهارات خاصی نسبت به این جنگ مطرح نکردند.

در میان جریان‌های شیعی، «ائتلاف اداره حکومت»^۱، همانند دولت مرکزی، کنشی رسمی و دیپلماتیک داشت. این ائتلاف که تشکیل‌شده از مهم‌ترین جریان‌های سیاسی شیعی غیر از صدری‌هاست، در نشستی با حضور نخست‌وزیر، رئیس پارلمان و سایر اعضا، ضمن محکومیت حملات اسرائیل، بر لزوم ترجیح منافع ملی بر هرگونه ملاحظه تأکید کرد. در این نشست بر مخالفت قاطعانه با نقض حریم هوایی عراق و استفاده از آن در تعرضات رژیم صهیونیستی علیه ایران تأکید شد.

یکی دیگر از جریان‌های سیاسی شیعی که حمله رژیم صهیونیستی به ایران را محکوم کرد، جریان صدر بود. مقتدی صدر در پیامی باوجود انتقاد از تجاوز نظامی اسرائیل به خاک ایران و استفاده این رژیم از آسمان عراق، نوشت: «آنچه که از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است، این است که خاک عراق از این جنگ دور باشد؛ چراکه عراق و ملت آن نیازی به جنگ‌های جدید ندارند». هواداران این جریان همچنین با فراخوان مقتدی صدر، تظاهرات گسترده‌ای را در برخی شهرهای عراق برای محکومیت حملات رژیم صهیونیستی به ایران برگزار کردند.

در میان گروه‌های مقاومت عراقی، کتائب حزب‌الله، کتائب سیدالشهدا (ع) و جنبش نجباء با صدور بیانیه‌هایی، حملات رژیم را به ایران محکوم کردند. خط اصلی این مواضع، انتقاد از بی‌توجهی نیروهای داخلی به استفاده از

۱. ائتلاف اداره الدوله

آسمان عراق در حمله به ایران بود. کتائب حزب‌الله در بیانیه‌ای اعلام کرد در صورت ورود آمریکا به جنگ، مقاومت در منطقه منافع و اهداف آمریکایی را مورد حمله می‌دهد. جنبش عصائب اهل الحق نیز تهدید رهبر معظم انقلاب اسلامی را از سوی رژیم صهیونیستی محکوم کرد.

۱-۳. مرجعیت نجف

مرجعیت دینی عراق، در دو بیانیه جداگانه و در دو مقطع زمانی، نسبت به جنگ رژیم علیه ایران واکنش نشان داد. مرجعیت نجف در نخستین بیانیه خود، روز جمعه ۱۳ ژوئن به محکومیت حملات رژیم اسرائیل به خاک ایران اشاره کرد و از جامعه جهانی خواست این رژیم متجاوز و حامیانش را برای توقف حملات، زیر فشار قرار دهند. پس از تهدیدات سران رژیم صهیونیستی علیه رهبر معظم انقلاب اسلامی، مرجعیت نجف با صدور بیانیه‌ای «تهدید سوء قصد به رهبری عالی دینی و سیاسی» ایران را محکوم کرد و افزود چنین خطایی، «پیامدهای بسیار وخیمی برای سراسر منطقه» خواهد داشت که می‌تواند «باعث خروج کامل اوضاع از کنترل و بروز هرج و مرج گسترده» شود.

۱-۴. تحلیل

طی سال‌های اخیر، پیگیری نوعی از سیاست خارجی موازنه‌گرا که عراق را از تنش‌های منطقه‌ای دور نگه دارد، مورد توجه سطوح گوناگون عرصه رسمی و عمومی این کشور بوده است. براین اساس، دولت، بیشتر جریان‌های سیاسی و برخی گروه‌های مقاومت و نهاد مرجعیت، تمایل دارند تا عراق به عرصه‌ای برای تسویه منازعات منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل نشود. اینکه چنین کنشی تا چه میزان موفقیت‌آمیز بوده و خواهد بود، موضوع دیگری است، اما ادراک غالب و در حال گسترش در عراق امروز، پرهیز از ورود عراق به منازعات سایر

طرف‌هاست.

این رویکرد از ابتدای جنگ غزه در سطوح گوناگون دنبال شد. در این‌راستا، غیر از تعدادی گروه‌های مقاومت و آن‌هم در برخی مقاطع، کنش اصلی دولت مرکزی و سایر بازیگران سیاسی و حتی گروه‌های ذیل حشدالشعبی، محکومیت حملات رژیم صهیونیستی به غزه، لبنان، سوریه، یمن و ایران از مسیر دیپلماسی و البته کنش‌های موردی مانند ارائه کمک‌های بشردوستانه به آوارگان لبنانی بوده است که در این زمینه، نهاد مرجعیت و جریان صدر نقش ویژه‌ای ایفا کردند. البته برخی گروه‌های مقاومت مانند کتائب حزب‌الله، حملاتی را پس از هفتم اکتبر علیه مواضع اسرائیل و نیروهای آمریکایی صورت دادند که اوج آن را می‌توان حمله به پایگاه آمریکایی برج ۲۲ در مرز اردن و سوریه دانست که پس از تهدیدهای شدید آمریکا، تهدید السودانی به استعفا و احتمالاً میانجی‌گری طرف ایرانی، چنین کنشی متوقف شد.

در این چهارچوب، نسبت به حمله رژیم صهیونیستی به خاک ایران، کنش متفاوتی غیر از محکومیت از سوی دولت عراق و همچنین نهاد مرجعیت نجف انتظار نمی‌رفت که محقق شد؛ علاوه‌براینکه بیانیه مرجعیت نجف در محکومیت تهدید علیه ساحت رهبری دینی و سیاسی ایران، اقدامی حائزاهمیت محسوب می‌شود. در سطح گروه‌های سیاسی اما به‌نظر می‌رسد واکنش قابل قبولی از سوی برخی سران کرد در اقلیم کردستان و نیز احزاب اهل سنت عراق مشاهده نشد.

ریشه‌یابی این موضوع در اربیل را می‌توان به چالش‌های سال‌های اخیر در روابط تهران با اقلیم کردستان و برخی حملات تهران به خاک اقلیم بازگرداند. همچنین واکنش متفاوت نچیروان با مسرور و مسعود بارزانی را می‌توان به

روابط نزدیک رئیس کنونی اقلیم کردستان عراق با ایران نسبت داد که نموده‌های دیگری از جمله سفر وی به تهران و دیدار با مسئولان عالی‌رتبه جمهوری اسلامی و نیز شرکت در مجمع گفت‌وگوی تهران در اردیبهشت سال جاری (۱۴۰۴) داشته است. در میان گروه‌های اهل سنت اما، این مسئله می‌تواند ناشی از رویکرد طائفه‌گرایانه برخی از احزاب عراقی باشد که در دو مورد، یعنی اظهار خرسندی از سقوط نظام سیاسی سوریه و موضع‌گیری مکرر درباره لزوم برقراری روابط بغداد با حاکمان جدید دمشق و درمقابل، سکوت برابر حمله رژیم صهیونیستی به خاک ایران از سوی برخی سران جریان‌های سنی عراقی قابل مشاهده و مقایسه است.

در سطح گروه‌های مقاومت عراقی، به‌نظر می‌رسد پس از استقرار ترامپ در کاخ سفید و گمانه‌زنی درباره اراده آمریکا برای انحلال یا ادغام حشدالشعبی و نیز برخی پیام‌های تهدیدآمیز واشینگتن مبنی بر برنامه‌ریزی رژیم اسرائیل برای حمله به خاک عراق، نوعی احتیاط در مواضع و کنش بازیگران عراقی مشاهده می‌شود. براین اساس، در دوره جنگ تحمیلی ۱۲ روزه نیز عراقی‌ها تلاش کردند تا از اتخاذ هرگونه موضع یا کنش رادیکال پرهیز کنند تا شعله‌های جنگ، فراتر از ایران، به خاک عراق وارد نشود و حساسیت ترامپ برای مقابله سخت با عراق برانگیخته نگردد. واکنش بخش مهمی از سیاسیون نزدیک به گروه‌های مقاومت در عراق، از جمله هادی العامری و قیس الخزعلی و نیز رهبران سازمان حشدالشعبی از جمله فالخ الفیاض و ابوفدک المحمداوی را می‌توان در چنین بستری تحلیل کرد. مسئله انحصار سلاح در عراق امروز، بیش از گذشته مورد توجه و تأکید بازیگران خارجی و داخلی مخالف محور مقاومت قرار گرفته و در این میان، حفظ کیان سازمان حشدالشعبی به اولویت نخست و جهت‌دهنده مواضع و کنش‌های بسیاری از چهره‌های نزدیک به

محور مقاومت در عراق تبدیل شده است.

درنهایت باید این نکته را در قبال کنشگری گروه‌های مقاومت عراقی در دوره حمله رژیم به خاک ایران موردتوجه قرار داد که براساس برخی منابع، اساساً درخواستی از سوی تهران برای مداخله گروه‌های عراقی مطرح نشده و به‌نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران دست‌کم در مقطع جنگ ۱۲ روزه برآوردی مبنی بر لزوم ورود گروه‌های عراقی به صحنه جنگ نداشته است. علاوه‌براین، به‌نظر می‌رسد تهران هرگونه ورود گروه‌های مقاومت عراقی به عرصه جنگ را بسترساز مداخله گسترده آمریکا در حمله به ایران از یک‌سو و زیر ضربه رفتن گروه‌های مقاومت در ساحت رسمی و عمومی عراق ازسوی دیگر قلمداد کرده است.

۲. نکاتی درباره جایگاه عراق در درگیری احتمالی آتی

باتوجه به تحولات هفته‌های اخیر، آغاز دوباره درگیری‌ها میان ایران و رژیم صهیونیستی محتمل است. بدیهی است عراق، یکی از کشورهایی محسوب می‌شود که نقش مهمی در این درگیری‌های احتمالی ایفا خواهد کرد. براین‌اساس، به‌نظر می‌رسد این کشور از برخی ابعاد بسترساز چالش‌ها، تهدیدها و البته ظرفیت‌ها و فرصت‌هایی برای ایران باشد. در ادامه به برخی از این ابعاد اشاره می‌شود:

۱. نقض حریم هوایی عراق ازسوی رژیم صهیونیستی و اعتراف نخست‌وزیر عراق به این مسئله و شکایت رسمی بغداد به سازمان ملل (Al-Sudani, July 2025)، بار دیگر این واقعیت را آشکار می‌سازد که حاکمیت آسمان عراق در اختیار آمریکاست. براین‌اساس، مسئله خروج نیروهای آمریکایی و مذاکرات بغداد و واشینگتن درباره پیشبرد آن، بدون پرداختن به این موضوع، چندان

اثربخش نخواهد بود. هرگونه جابه‌جایی نیروهای آمریکایی در داخل خاک عراق، خروج موردی آنها از برخی پایگاه‌ها و یا تغییر مأموریت آنها، اگرچه گامی مهم در راستای منافع عراق و ایران است، اما بدون حل و فصل مسئله «آسمان عراق»، ناقص خواهد بود و تهدیدی مهم علیه امنیت ملی ایران محسوب می‌شود.

۲. در هرگونه درگیری احتمالی آتی میان ایران و رژیم صهیونیستی که فراتر از جنگ ۱۲ روزه باشد، عراق باید مسئولیت حراست از آسمان خود را بپذیرد. مسئولیت رفع نگرانی‌های ایران در این زمینه و تبعات حمله به منافع ایران از خاک عراق با دولت این کشور است و پیام‌های معتبری از سوی تهران، باید پیش از وقوع هرگونه درگیری با تل‌آویو به بغداد منتقل شود. شیوه کنونی طرف عراقی درباره نقض حریم هوایی این کشور در حمله به خاک ایران، یعنی ابتدا انکار، سپس انفعال و در نهایت شکایت‌های بدون پیگیری به نهادهای بین‌المللی و صرفاً اشاره‌ای گذرا در بیانیه‌های سیاسی، باید از سوی تهران مورد اعتراض قرار گیرد.

۳. جامعه عراق به‌ویژه با کنش‌هایی چون بیانیه‌های مرجعیت دینی در محکومیت حمله رژیم صهیونیستی و جسارت به ساحت رهبری دینی و سیاسی ایران، ظرفیت‌های قابل توجهی برای برگزاری راهپیمایی‌های گسترده حمایتی از ایران دارد. چنین تجمعاتی در کنار پشتیبانی مرجعیت نجف، گروه‌های سیاسی شیعی و صدری‌ها از ایران، می‌تواند آمریکایی‌ها را برای اجرای اقدامات ضدایرانی در عراق زیر فشار قرار دهد؛ اگرچه استفاده از چنین ظرفیتی، نیاز به همراهی تمامی اجزای نظام سیاسی عراق دارد، اما پیشبرد هوشمندانه و به‌موقع آن می‌تواند حائز اهمیت باشد.

۴. در مواردی مانند هتک حرمت رهبری دینی و سیاسی ایران از سوی

دشمن صهیونیستی، ظرفیت‌هایی همچون برگزاری تجمعات اعتراضی و صدور بیانیه‌های محکومیت در عراق و سایر کشورها از جمله پاکستان، افغانستان، کشورهای آفریقایی و اروپایی، متأثر از بیانیه‌ها و مواضع مرجعیت نجف، قابل استفاده به نظر می‌رسد.

۵. واکنش گروه‌ها و جریان‌های سیاسی عراقی به حملات رژیم صهیونیستی به خاک ایران، باید به معیاری برای مناسبات آتی تهران با این گروه‌ها تبدیل شود. بنابراین، شخصیت‌ها و جریان‌هایی که در قبال حملات اسرائیل به خاک ایران، موضعی منفی یا منفعلانه اتخاذ کردند، نباید در مرکز و نقطه تمرکز مناسبات و حمایت‌های سیاسی تهران در برخی رویدادها مانند انتخابات‌های پارلمانی قرار گیرند.

۶. باتوجه به احتمال بروز برخی تحرکات مرزی در هرگونه درگیری احتمالی آتی، تهران باید تدابیر ضروری را برای تأمین امنیت مرزهای غربی به کار بندد. مسئولیت اربیل در برقراری امنیت این مناطق و اجرای دقیق توافقنامه امنیتی میان تهران و بغداد، حائز اهمیت است. برخی اظهارات نچيروان بارزانی در جنگ تحمیلی اخیر، اگرچه مناسب بود، اما نخست‌وزیر و دولت اقلیم و نیز پارتی و یکیتی، باید به صورت یکپارچه متعهد به تأمین امنیت مرزهای خود با ایران باشند.

۷. در شرایط توقف درگیری‌ها، هرگونه کنش خارج از قانون ازسوی افراد و گروه‌های منتسب به محور مقاومت در عراق، مانند درگیری مسلحانه اخیر در وزارت کشاوری عراق، می‌تواند کاتالیزور طرح‌هایی چون انحلال حشدالشعبی و درنهایت تشدید فشار بر جمهوری اسلامی ایران و تضعیف محور مقاومت در منطقه باشد. رویکرد گروه‌های مقاومت عراقی، باید پیروی از سلسله مراتب فرماندهی و مرجعیت دینی در عراق باشد. تأکید بر مسئولیت

دولت در خروج کامل نیروهای آمریکایی از عراق، در همین چهارچوب باید دنبال شود.

نتیجه‌گیری

در نوشتار حاضر به بررسی مواضع، اظهارات و کنش‌های دولت، جریان‌های سیاسی و گروه‌های مقاومت و نیز مرجعیت دینی در عراق نسبت به جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی علیه ایران پرداخته شد. براین اساس، به نظر می‌رسد برآیند رویکرد نهادی در عراق نسبت به حمله رژیم به خاک ایران، صرفاً در چهارچوب اعلام محکومیت قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، عراقی‌ها در تداوم کنشگری خود پس از هفتم اکتبر و در راستای دور نگه داشتن عراق از عرصه منازعات منطقه‌ای، به انتقاد از حملات اسرائیل، لزوم پایان یافتن جنگ، تأکید بر اقدام فوری جامعه بین‌المللی برای توقف ماشین جنگی رژیم صهیونیستی و درنهایت شکایت از اسرائیل برای نقض حریم هوایی عراق بسنده کرده‌اند؛ چه‌اینکه به نظر می‌رسد در فضای کنونی و در میانه تهدیدهای آمریکا مبنی بر لزوم انحصار سلاح در عراق از یک سو و تحولات سوریه و لبنان از سوی دیگر و نیز ادراک عراقی‌ها از اراده غرب برای تغییر نظم منطقه‌ای، کنشگران عراقی را بر آن داشته تا از هرگونه مداخله زیان‌بار خودداری کنند. اینکه چنین رویکردی تا چه میزان می‌تواند تداوم داشته باشد، پرسشی تعیین‌کننده است.

منابع

Rudaw (2025). "Kurdistan Region presidency condemns Israeli attack on Iran", 13 June 2025, Available at: <https://www.rudaw.net/english/kurdistan/13062025>.



«پژوهشگاه مطالعات امنیت و پیشرفت» به منظور پاسخگویی به بخشی از نیازهای پژوهشی کشور در راستای تولید شناخت جامع از محیط امنیت ملی، پاسخگویی به نیازهای پژوهشی و مطالعاتی، انجام پژوهش‌های کاربردی و استقرار سیاست‌های پژوهش‌مبنا و تقویت فرآیند سیاستگذاری و حکمرانی کشور با رویکردی علمی و راهبردی تأسیس شد.

این مرکز در حال حاضر با چهار پژوهشکده «مطالعات راهبردی»، «ابرار معاصر تهران»، «مطالعات حکمرانی فرهنگی و اجتماعی» و «علوم و فناوری‌های نوظهور» در حوزه‌های سیاسی، امنیتی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، امنیت بین‌الملل و فناوری‌های نوظهور مشغول به فعالیت است.